

کارشناسان آموزش عالی در نشست «بازاندیشی سنوات دورهٔ کارشناسی» بررسی کردند

در خدمت و خیانت کوتاه‌شدن لیسانسی

هدفمان ارائهٔ بستهٔ پیشنهادی برای پیشبرد آموزش عالی است



علی خورسندی طاسکوه رئیس انجمن آموزش عالی ایران: در آغاز، لازم است فرایند طی شده و اقدامات پیش رو را مرور کنیم. در خصوص این موضوع سه‌گونه تعامل را تحت برگزاری نشست‌ها، ایجاد کارگروه با محوریت گسروه برنامه‌ریزی نوآوری‌های آموزشی و درسی و پنل‌های

انجمن داریم. در کنار این تعاملات، مجموعه‌ای از مطالعات تطبیقی درباره هفت کشور جهان طی یک ماه انجام شده‌است. هدف از این مطالعات، بررسی انتظارات زیست‌بوم آموزش عالی کشور و اکوسیستم آموزشی از طریق پنل‌ها، نشست‌ها و گفت‌وگوهای پراکنده با استادان علاقه‌مند – که عضو رسمی پنل‌ها نبودند – استخراج شده‌است. بحث من دستوری برای کاهش سنوات تحصیلی نیست، بلکه هدف، بازآرایی ساختار دوره‌هاست. مقطع کارشناسی، به دلیل حساسیت‌های اجتماعی و احتمال بروز آثار

نمی‌توان از حضور حداقل سه‌سال در دانشگاه چشم پوشید

بعد هم وجه تربیتی بوده که ناظر بر تربیت انسان شایسته برای کشور و سپس برای جهان کنونی است. از طرف دیگر دانشگاه، محلی است که می‌توان آن را اجتماع فرهیختگان قلمداد کرد. در این بخش، نوعی شدن مطرح است که از تداوم همنشینی و تماشا حاصل می‌شود؛ این بخش گاه‌به‌زبان نمی‌آید و اصولاً زبانی نیست، بلکه رابطه‌ای از جنس راهبری و رهروی، مریدی و مرادی است که تنها در عمل و در زمان و مکان خاص می‌توان به پرتوی از آن دست‌یافت. در اینجاست که بودن استاد در دانشگاه معنا می‌یابد و استادان، نمی‌توانند منش خود را به‌صورت کپسولی به شاگردان تزریق کنند. دانشگاه جای غذاهای فست‌فودی برای روح، روان، شخصیت و منش نیست. اینجا حوصله، موقعیت و شرایط لازم است. باید به انتظار نشست و مراقب بود تا شاید شکاری به چنگ آید. اینکه دانشجویی بتواند و بخواهد منش استادی را شکار کند، خود قصه‌ای است که نیازمند زمانی طولانی و ارتباط و تعاملی مستمر است. اما من به موضوع طول دوره و منطق دوره کارشناسی در دانشگاه‌های ایران از منظر اهمیت تعالی و رشد فرزندان ملت و جامعه آینده و اینکه تنها دانشگاه می‌تواند این

ایجاد فضای تنفسی دانشجویان از طریق کاهش تعداد اد‌های درسی

داشت، نایب‌نمند تلقی می‌شود. در برخی کشور ها که دوره کارشناسی سه‌ساله است، معمولاً قبل از ورود به دانشگاه دوره‌ای یک ساله‌ای می‌گذرانند. مشابه همان دوره‌ای که در دبیرستان‌های ما با عنوان پیش دانشگاهی برگزار می‌شد. از طرفی در برخی رشته‌ها، انعطاف بیشتری وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که حتی دوره‌های پنج‌ساله نیز در رشته‌های بالینی رایج است. بنابراین در فضایی سیاست‌گذاری می‌کنیم که منابع مالی کافی در اختیار نداریم. در چنین فضایی، خواهر ناخواه و گاوان ذهنیت‌های انتقابضی به‌ذهن متبادر می‌شود و اقدامات نیز در همان راستا شکل می‌گیرند. از طرفی برنامه درسی ما، در خلاصه‌ترین شکل ممکن، از دو منبع تعریف می‌شود؛ نخست، شورای عالی انقلاب فرهنگی و سیاست‌های بالادستی که دروس عمومی را در آن متبلور می‌سازودوم، گروه‌های تخصصی که دروس تخصصی را تعریف می‌کنند. این دروس پس از تصویب در شورا‌های دانشگاهی، به‌شورای برنامه‌ریزی وزارت علوم می‌روند و در نهایت، به شورای تحول علوم انسانی در شورای عالی انقلاب فرهنگی ارجاع داده می‌شوند. به‌عنوان نمونه، تا سال گذشته ۲۲ واحد درس عمومی داشتم که اجباری بودند. امسال این تعداد به ۲۵ واحد افزایش یافته

اصلاح وضعیت موجود از مسیر برنامه‌ریزی دقیق و جامعه می‌گذرد

علاقه‌ای به آن‌ها ندارند. در حالی که مخالفان کاهش سنوات بر این باورند که چنین اقدامی موجب افت کیفیت آموزش خواهد شد. همچنین طولانی شدن زمان ورود فارغ التحصیلان به بازار کار، خود مسئله‌ای بوده که برخی معتقدند هر چه دانشجویان زودتر وارد بازار کار شوند، شرایط اقتصادی کشور بیشتر بهبود خواهد یافت. در سطحی دیگر، هر زمینه‌ای تحصیل برای دولت و مردم به حدی بالا نیست که انتظارات برآورده نمی‌شود و بسیاری از واحدهای درسی به‌صورت صوری گذرانده می‌شوند؛ اما ضرورت‌های کاهش سنوات شامل تحولات جهانی، نیاز بازار کار، اقتصاد آموزش عالی، کاهش انگیزه دانشجویان و فشار بی امان فناوری‌های نو ظهور است. از طرفی وزارت علوم، در عمل اختیار چندانی در اداره دانشگاه‌ها و در مجموعه‌های خود ندارد. ما کشوری با طیفی از رشته‌های متنوع، هم‌پوش و گاه متناقض و تجربه دویار تغییر نظام آموزش عمومی، بدون هیچ تأثیر ملموسی بر افزایش کیفیت آموزش، خطر صوری شدن تغییرات را بر جسته می‌سازد؛ تا جایی که اگر دوره کارشناسی را به سه‌سال کاهش دهیم، ممکن است وضعیت موجود تنها بهبود نیابد، بلکه بدتر شود. در ایران برای کاهش سنوات دوره کارشناسی دو مسیر قابل تصور است؛ نخست، دریافت یک ماده واحد از شورای عالی انقلاب فرهنگی که به‌موجب آن وزارت علوم موظف شود دوره کارشناسی

یادگیری منعطف و اصلاح امور اداری راهی برای کاهش دوره کارشناسی است

ماهیت هر رشته، به‌طور ذاتی تعیین‌کننده مدت زمان مورد نیاز برای تحصیل در آن است. بنابراین نمی‌توان برای همه رشته‌ها نسخه‌ای واحد پشید؛ زیرا بازاندیشی در سنوات باید با ویژگی‌های ذاتی هر رشته هماهنگ باشد و اینکه دوره کارشناسی سه یا چهار ساله باشد، نباید نمونه اصلی بحث باشد، بلکه باید بر مبنای ماهیت رشته تصمیم‌گیری شود. محور دوم، ماهیت دانشگاه‌وا است. ابتدا ماهیت دانشگاه را باید بررسی کرد که آیا نتیجه‌پور، پژوهش محور یا آموزش محور است؟ زیرا دانشگاه‌های پژوهش محور ممکن است به‌دلیل ماهیت پروژه محور بودن، تمایل به طولانی شدن دوره تحصیل داشته باشند؛ در حالی که دانشگاه‌های آموزش محور این گونه نیستند. از طرفی ماهیت استاد نیز اهمیت دارد؛ زیرا اگر اعضای هیئت‌علمی بیشترین وقت خود را صرف پژوهش‌های پیشرفته کنند، ممکن است زمان کمتری برای آموزش و راهنمایی دانشجویان کارشناسی داشته باشند؛ اما اگر به خود می‌تواند به طولانی شدن دوره منجر شود یا اگر سیستم ارزشیابی استادان بر تعداد مقالات تمرکز داشته باشد، انگیزه‌ای برای ارتقای کیفیت آموزش یا کوتا سازی دوره تحصیل و چون نخواهد داشت. محور سوم، ماهیت دانشجو و جامعه است. نسل امروز، تفاوت‌های بنیادینی با نسل‌های پیشین دارد؛ آن‌ها یادگیری مادام‌العمر، انعطاف‌پذیری و فوریت خو گرفته‌اند و داشتن دوره چهار ساله ثابت و خشک

پریا ناصری خبرنگار گروه دانشگاه

بحث کاهش سنوات تحصیلی در مقطع کارشناسی که از مرداد امسال با اظهارات وزیر علوم مطرح شد، همچنان در مرکز توجه جامعه دانشگاهی قرار دارد. در پی طرح این موضوع، نشست‌ها و پنل‌های متعددی برای بررسی ابعاد گوناگون و پیامدهای احتمالی آن برگزار شده‌است. در همین راستا، هفته گذشته دومین نشست از سلسله نشست‌های «بازاندیشی سنوات دوره کارشناسی» به همت انجمن آموزش عالی ایران و با همکاری مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی برگزار شد. در این نشست، علی خورسندی طاسکوه، رئیس انجمن آموزش عالی ایران، مرتضی طاهری، معاون آموزشی دانشگاه علامه طباطبائی، غلامرضا یادگارزاده و علیرضا صادقی از اعضای هیئت‌علمی این دانشگاه و نعمت‌الله موسی‌پور، استاد دانشگاه هرمزگان، دیدگاه‌های خود را درباره ابعاد مختلف این طرح مطرح کردند که مشروح دیدگاه‌های آنان را از نظر می‌گذرانید.

وضعی مثبت و منفی، نیازمند دقت و ملاحظات علمی بیشتری است. در هر مرحله، بخشی از سناریوهای پیشنهادی تدوین و سیاست‌های اجرایی نوشته می‌شود که شخصاً مسئولیت آن را بر عهده دارم و آن را در جلسات مختلفی در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، شورای عالی برنامه‌ریزی وزارتخانه و شورای تحول علوم انسانی وابسته به شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح کردم. در خصوص این موضوع تنوع دیدگاه وجود دارد؛ اما اکثریت افراد با رویکرد بازآرایی سنوات موافقت، با این حال هر کدام شروطی دارند،

فرصت را فراهم کند، می‌پردازم. زمانه شدن و حرکت در مسیر تعالی، از جایی آغاز می‌شود که فرد عهده‌دار آموزش زندگی خود می‌شود و استقلال، معنای واقعی پیدا می‌کند. واقعیت‌های نظام آموزشی نشان می‌دهد که شاگردان از دوره دوم متوسطه، کوشش‌های نیمه‌مستقل خود را آغاز کرده و اغلب آنان با پایان این دوره و ورود به دانشگاه، وارد مرحله کوشش‌های مستقل می‌شوند. تجربه من و دانش تربیتی نیز این را تأیید می‌کند که برای تحقق تعالی شخصیت در یک فرد، زمانی بین ۶ تا ۷ سال فعالیت شخصی مستقل لازم است. اگر فعالیت‌های نیمه‌مستقل دوره متوسطه را سه سال در نظر بگیریم، دست‌کم به چهار سال فعالیت مستقل دانشگاهی نیاز است تا فرد به شکوفایی در فرایند رشد و تعالی دست یابد. بنابراین ضروری است برنامه‌ریزی‌های دانشگاهی به‌گونه‌ای انجام شود تا فرد، تجربه‌ای چهارساله از حضور در دانشگاه داشته باشد. این مدت، از حیث سن تقویمی نیز فرد را حدود ۲۲ سالگی وارد عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌کند. واقعیت‌های جهانی آموزش عالی نیز مؤید همین امرند؛ به‌گونه‌ای که در دوره کارشناسی، برای کسانی که بافلاصه پس از پایان

است. این تعداد خود به‌تنهایی معادل دو ترم تحصیلی است و نمی‌توان آن را در یک ترم فشرده جای داد. به‌ویژه آنکه در ترم اول، هیچ دانشگاهی به دانشجویان اجازه اخذ ۲۰ واحد درسی را نمی‌دهد. همچنین بخشی از این مسیر به دروس مهارتی اختیاری مانند درس آشنایی با هوش مصنوعی مربوط می‌شود که در برخی برنامه‌های درسی، جایگاه مشخصی ندارد. از سسوی دیگر شورای عالی انقلاب فرهنگی در حوزه دروس تخصصی، گروه‌هاوس جلدیدی را اضافه می‌کند. در این روند، بسیاری از دروس سه واحدی به دو واحدی تبدیل شده‌اند تا امکان گنجاندن تعداد بیشتری درس فراهم شود. با این حال، محدودیت‌های ساختاری همچنان پایرجاست و دامنه انتخاب بین ۱۳۴ تا ۱۴۰ واحد باقی می‌ماند. به هر طریقی که این دروس ارائه شوند، جمع‌بندی آن‌ها در سه‌سال تحصیلی ممکن نیست. افزون بر اینکه ممکن است در این روند برخی قوانین یا توافقات بین‌المللی نیز نقض شوند. با این حال در پایان پیشنهادی دارم که می‌تواند به‌عنوان مصوبه‌ای در شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح شود؛ چراکه این موضوع در اختیار شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت علوم نیست و آن این بوده که

را به سه‌سال تقلیل دهد؛ دوم، بازنگری هدف‌نفسد در راهبردها، برنامه‌ها، روش‌ها و ساختارهای آموزش عالی است؛ زیرا با ساختار فعلی نمی‌توان حرکت کرد؛ اما بسرعت هم نمی‌توانیم تغییر ایجاد کنیم. اگر بخواهیم مسیر دوراندیش کنیم، نیازمند اطلاعاتی هستیم که متأسفانه هیچ‌یک به‌صورت کامل در دسترس نیستند. داده‌ای مربوط به اشتغال و بازار کار ناقصند؛ سازمان منسجش آموزش کشور اطلاعات عملکرد تحصیلی فراوانی دارد؛ اما تنها مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی است که از ما اطلاعات می‌گیرد و سایر نهادها نیز حتی برای تحلیل وضعیت سراغ ما نمی‌آیند. به عبارتی ما با چرخه‌ای معیوب مواجهیم که آموزش با هدف یادگیری انجام می‌شود؛ اما منسجش با هدف غر با لگری صورت می‌گیرد و پدیده‌ای به نام از موزندگی بر نظام آموزشی سایه افکنده است. به نظر من باید باز آموزش عالی سبک شود، شخصاً موافق کاهش تعداد دروس هستیم. در سازمان منسجش مشأاهده می‌کنیم برخی دروس صرفاً به دلیل تصمیم‌گیری‌های گذشته در آزمون‌ها گنجانده‌شده‌اند؛ کاهش ساعت‌درس نیز ضرورتی جدی دارد، خصوصاً آروسی که با یادگیری هم‌پوشانی دارند. بازنگری در برنامه‌های درسی باید در اولویت قرار گیرد. آماری که در دست است، نشان می‌دهد حدود ۵۰ درصد از برنامه‌های مصوب، متعلق به حداقل ۱۰ سال پیشند و این واقعاً نگران‌کننده

ممکن است با روحیه این نسل سازگار نباشد. افزون بر این، بسیاری از دانشجویان به دلایل اقتصادی، ناگزیر از اشتغال هم‌زمان با تحصیلند؛ امری که خود، به‌نوعی موجب طولانی شدن دوره تحصیل می‌شود و در برخی موارد چرا‌ی جز پذیرش آن وجود ندارد. ضمن اینکه ماهیت جامعه و انتظارات آن از دانشگاه‌ها بسیار مؤثر است. پنجمین محور، میان‌رشته‌ای‌ها و کالج‌هاست. برنامه‌های میان‌رشته‌ای ذاتاً پیچیده‌اند، زیرا دانشجویان به مبنای چند رشته‌ای، تسلط مورد نیاز دارند؛ اما این منجر به طولانی شدن دوره تحصیل شود، مگر آنکه ساختار آن را طراحی کرده و هوشمندانه بهینه‌سازی شود. نکته دیگر، ماهیت رشته‌ها از حیث درس محوری یا پژوهش محوری است. در دوره کارشناسی، عمدتاً با نظام درس محور مواجهیم؛ نظامی با برنامه درسی ثابت و واحدهای مشخص که به‌راحتی می‌تواند مدت‌زمان مشخص و کوتاهی داشته باشد. اما در نظام پژوهش محور، به دلیل ماهیت پروژه‌ها و فرایند‌های تحقیقاتی، دوره تحصیل ممکن است طولانی‌تر شود، همچنین بازار کار، آینده‌شغلی و درآمد عوامل تعیین‌کننده‌اند. اگر بازار کار به تخصص‌های بسیار خاص نیاز داشته باشد، ممکن است طول دوره افزایش یابد؛ اما اگر بازار کار، مهارت‌های عمومی و قابل‌انعطاف باشد، می‌توان دوره‌های کوتاه‌تر و چتری طراحی کرد.

بخش دو اردبیل:

۱) ۷۹۱۱ اصلی: شهرداری اردبیل نسبت به شش دانگ یک قطعه زمین شارع متروکه

واقع در بخش دو اردبیل شهرک آل‌عبا،

۲) ۷۹۱۲ اصلی: شهرداری اردبیل نسبت به شش دانگ یک قطعه زمین شارع متروکه

واقع در بخش دو اردبیل شهرک آل‌عبا،

به کلیه مالکین پلاک‌های مزبور و سایر اشخاص ابلاغ می‌گردد هر کس نسبت به املاک مزبور ادعا و اعتراضی داشته باشد مدارک خود

اجازه‌ای به دانشگاه‌ها داده شود تا حداقل ۲۵ درصد از دروس عمومی را به‌صورت خودخوان، از طریق تولید محتوای اختصاصی و برگزاری آزمون ارائه دهند. به عبارتی برای بخشی از دروس عمومی، محتوای آقائین و ضبط‌شده با کیفیت بالا تولید کرده و آزمون‌هایی هماهنگ در ابتدای ترم برگزار شود، به‌عنوان مثال در همان ماه نخست آزمون برگزار شود و اگر دانشجویا سخت‌گیری‌هایی که صورت گیرد، نمره‌ای قابل قبول مثلاً ۱۷ یا ۱۸ کسب کرد، دیگر نیازی به حضور در ۱۶ جلسه کلاس نداشته باشد. این اقدام بخشی از زمان دانشجویان را آزاد می‌کند تا بتوانند گوه‌ای نامه‌هایی (سرتفیکیت) دریافت کنند. این را هم در نظر بگیریم که اکنون ارزش مدرک رسمی کاهش یافته و آنچه اهمیت دارد، گواه‌ی‌هایی است که برای فرد اشتغال‌زا هستند و فرصت‌های کاری ایجاد می‌کنند. در برنامه درسی متراکم و انباشته موجود، بیش از ۷۰ درس و حتی بیشتر تعریف‌شده، بنابراین با ایجاد فضای تنفسی می‌توانیم کمک کنیم تا دانشجویان سریع‌تر دوره تحصیل خود را به پایان برسانند، حتی در سه‌تیم‌ها فارغ‌التحصیل شوند و به اهداف آموزشی و حرفه‌ای خود دست‌یابند.

است. گام بعد، حذف برنامه‌های درسی که متقاضی است؛ چه ضرورتی دارد رشته‌ای با ظرفیت ۲۴ نفر در کشور، تنها سه داوطلب داشته باشد؟ با این حال کنکور آن برگزار و تا ۷۰ تا ۸۰ سؤال برای آن طراحی می‌شود. قانون نیز می‌گوید آزمون باید برگزار شود. از طرفی افرادی دوره‌های کاردانی اقامی مؤثر خواهند بود. در سراسر جهان، کالج‌ها وظیفه دارند افراد را به‌صورت نیمه‌آماده وارد بازار کار کنند، یعنی مهارت‌های اولیه را آموزش دهند و سپس آن‌ها را به بازار بفرستند. در نهایت، واگذاری اختیارات تصمیم‌گیری به دانشگاه‌ها ضروری است. دانشگاه، بدون اختیار، نمی‌تواند عملکرد مؤثری داشته باشد. همین حرکت‌هایی که اکنون شاهد آن هستیم، حاصل همین اختیارات محدود موجود است. اگر قرار بود همه امور توسط وزارتخانه انجام شود، حتی آغاز ترم نیز ممکن نبود. واقعیت این است که در دوره‌های کارشناسی، با یک کلاف‌سردرگم مواجهیم؛ از یکسو، دروس و سپس آن‌ها را به بازار بفرستند، کارایی لازم را ندارند؛ از سوی دیگر، با تنوع گسترده‌ای از برنامه‌های درسی رو به‌ر هستیم، در حالی که آزمون‌ها به‌صورت متمرکز برگزار می‌شوند که نشان‌دهند خط‌کشی واحدبرای مجموعه‌ای از برنامه‌های متنوع است. بنابراین بدانی که اصلاح این وضعیت، به‌هیچ‌جه‌د کوتاه‌مدت ممکن نیست و نیازمند برنامه‌ریزی بسیار دقیق، جامع و مرحله‌مند است.

در پایان موضوعی که باید به آن توجه شود مسئله نسل‌های دانشگاهی، یعنی رویکردهای آموزش محور و صنعتی – اخلاقی، قسّی، پژوهش محور، کارآفرین یا نظام‌گر، دیجیتال و اکوسیستم دانش و در پایان هوشمند، انعطاف‌پذیر و پاسخ‌گو به بحران‌های اجتماعی است. اینکه ما در کدام نسل دانشگاهی سیر می‌کنیم یا قصد داریم در آن سیر کنیم؟ پیشنهاد من این بوده که اگر قصد برداشتن گامی داریم باید به مبنای سطوح و جوانب توجه کنیم و نباید با نگاه ساده‌انگارانه به موضوع بنگریم. همچنین بازنگری اساسی در برنامه‌های درسی و کاهش تعداد واحدها صورت گیرد، برای مثال ما در برخی رشته‌ها دروسی را داریم که در ۶ ترم ارائه می‌شوند و همین امر موجب دل‌زدگی دانشجویان می‌شود. ضمن اینکه در کنار کاهش تعداد واحدها، یادگیری منعطف و اصلاح امور اداری نیز ضروری است. همه ما تجربه کار اداری داریم؛ اجرای سخت‌گیرانه‌تر زمان‌بندی‌ها و بهبود راهنمایی‌های تحصیلی برای جلوگیری از تأخیر، بسیار مهم است؛ زیرا بسیاری از نظول‌هایی که امروز شاهد آئیم، ناشی از دستورالعمل‌های اشتباه است. ما این دستورالعمل‌ها را متحول کرده‌ام و اگر بتوانیم آن‌ها را اصلاح کنیم، احتمالاً دوره تحصیل در همان ۳ یا ۳٫۵ سال به پایان خواهد رسید.

را از تاریخ انتشار اولین نوبت آگهی تا نود روز دیگر مستقیماً «به اداره ثبت‌استناد و املاک شهرستان اردبیل» تسلیم نمایند؛ در غیر این صورت وفق مقررات استناد مالکیت به نام متقاضی ثبت و صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: پنجشنبه ۱۴۰۴/۰۸/۰۱
تاریخ انتشار نوبت دوم: شنبه ۱۴۰۴/۰۹/۰۱
شماره شناسه: ۲۰۲۴۵۰۴
شماره م.الف: ۱۹

آگهی دعوت سهامداران به تشکیل مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده شرکت راه‌وساختمان کالبر سازه(سهامی خاص)
آگهی دعوت سهامداران به تشکیل مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده شرکت راه‌وساختمان کالبر سازه(سهامی خاص) به‌شماره ثبت ۱۹۶۱۸۱ و شناسه ملی ۱۰۱۲۳۸۰۴۶۹ بدین وسیله از کلیه سهامداران شرکت دعوت می‌شود در جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده ساعت ۱۰ صبح در مورخ ۱۴۰۴/۸/۵ به آدرس: تهران، صادقیه شمالی، کوچه یکم، خیابان شهید بهداد شایق پ ۳ ط ۴ واحد ۷ به کدپستی ۱۴۷۷۷۱۴۶۱۶ حضور به هم رسانند.
مستور جلسه: انتخاب و تعیین سمت مدیران و بازرسین و تعیین وضعیت حق امضاء

کانون تبلیغاتی
سیهر جوان
۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹